

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical	تاریخی
------------	--------

فرستنده: ا. م. شیرینی
۰۶ مارچ ۲۰۱۴

[قانون اساسی ستالینی اتحاد شوروی]

[۱]

ضمیمه اول قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

اعلامیه حقوق خلق زحمتکش و استثمار شده، به تاریخ

۴ (۱۷) جنوری ۱۹۱۸*

فصل اول

- ۱- روسیه به صورت «جمهوری شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان» اعلام می گردد. تمامی قدرت مرکزی و محلی متعلق به این شوراهاست.
- ۲- جمهوری شوروی روسیه بر اصل اتحاد آزادانه ملل آزاد در فدراسیونی متشکل از جمهوری های ملی و شوروی پایه گذاری شده است.

فصل دوم

سومین کنگره سرتاسری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان و دهقانان روسیه، اساساً به قصد محو هرگونه استثمار انسان از انسان، الغای کامل تقسیم جامعه به طبقات مختلف، سرکوب کلیه استثمارگران با تمام قدرت، برپائی سازمان سوسیالیستی جامعه و پیروز ساختن سوسیالیسم در تمام کشورها، تصمیمات زیر را اتخاذ می نماید.

الف) به منظور اجتماعی کردن زمین، مالکیت خصوصی آن الغاء می گردد. تمام زمینها جزو اموال ملی اعلام شده و بر اساس تقسیم مساوی حق بهره برداری بدون هیچ گونه بازپرداختی، به زحمتکشان واگذار می گردد.

ب) در تمام طول دوران ستالین در شوروی، قانون مزبور به عنوان قانون اساسی این کشور رسمیت داشته است. علت درج قانون اساسی سال ۱۹۴۸ به جای قانون سال ۱۹۳۶ در کتاب حاضر آن است که قانون مزبور ضمن آن که جوهره و چارچوب قانون اساسی سال ۱۹۳۶ را در خود دارد، حاوی تغییرات مهمی که در فاصله این سالها در قانون اساسی اتحاد شوروی رخ داده است، نیز می باشد. از جمله مهمترین موارد این تغییرات اولاً، باید به پیوستن دولت های بالتیکی استونی، لیتونی و لیتوانی به عنوان جمهوری های متحد به اتحاد شوروی اشاره کرد که در سال ۱۹۴۰، یعنی در خلال دوره {پیمان عدم تجاوز میان المان نازی و اتحاد جماهیر شوروی، زیر عکس لنین بامضای مولوتوف در سال ۱۹۳۹ صورت گرفته است}. ثانیاً، در سال ۱۹۴۴ به جمهوری های متحد، حق تشکیل کمیساریای روابط خارجی و دفاع

* به نقل از کتاب:

Constitution(Lois fondamentales de L.U.R.S. F. S. R., Paris, Bureau de Edition, 1935

اعطاء شد. همچنین در تاریخ ۱۵ مارچ ۱۹۴۶ شورای کمیسرهای خلق در قانون اساسی به شورای وزیران تغییر نام یافت.

در مورد نحوه عبارت‌بندی متن ترجمه این قانون لازم به ذکر است که مبنای کار، ترجمه ای بوده است که از سوی بنگاه انتشارات خارجی اتحاد شوروی به چاپ رسیده و لذا، سیاق عبارات اندکی غریب به نظر خواهد رسید، ولی از طرفی حفظ قالب مزبور ما را در حال و هوای همان سال‌ها قرار خواهد داد.

توضیحی بر کتاب دوم

در بخش حاضر از کتابی که در دست دارید، اسناد شایان توجهی درج گردیده است که دسترسی به آن‌ها جهت بررسی بیشتر در ضمیمه «اعلامیه حقوق خلق زحمتکش و استعمارشده» است که موریس دورژه در کتاب *Droit Constitutionnel et Institutions Politiques* (حقوق اساسی نهادهای سیاسی) آن را به عنوان نخستین قانون اساسی کشور شوروی منظور نموده است. شاید دلیل انتخاب دورژه این باشد که آنچه معمولاً به عنوان اولین قانون اساسی اتحاد شوروی مورد اشاره قرار می‌گیرد، در واقع قانون اساسی «جمهوری سوسیالیستی فدرال روسیه شوروی» مصوب پنجمین کنگره شورای روسیه در تاریخ دهم جولای ۱۹۱۸ است نه قانون اساسی اتحاد شوروی سوسیالیستی؛ اما از آنجا که اعلامیه فوق‌الذکر در واقع خط مشی دولت شوروی را تا قبل از تصویب قانون اساسی در سال ۱۹۲۴ مشخص می‌سازد، لذا می‌توان آن را به عنوان نخستین قانون اساسی اتحاد شوروی به شمار آورد.

ضمیمه دوم، قانون اساسی ۱۹۲۴ اتحاد شوروی است که تدوین آن پس از تأسیس کشور اتحاد شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۲۲ ضرورت یافته بود. این قانون که توسط کمیسیون منتخب اولین کنگره شورای اتحاد جماهیر شوروی تهیه و تدوین شده، مصوب دومین کنگره شورای اتحاد شوروی در تاریخ ۳۱ جنوری ۱۹۲۴ می‌باشد. دو ضمیمه اول، از متن فرانسه ترجمه شده است که در این رابطه لازم است از جناب آقای دکتر پرویز علوی به واسطه بازخوانی ترجمه‌ها و ارائه راهنمایی‌های سودبخش سپاسگزاری نمایم.

ضمیمه سوم یعنی قانون اساسی ۱۹۴۸ اتحاد شوروی در اساس همان قانون اساسی سال ۱۹۳۶ این کشور است که به قانون اساسی ستالین مشهور می‌باشد. ظاهراً علت این انتساب دو چیز است.

الف) آن که ریاست کمیسیون تدوین‌کننده طرح این قانون با ستالین بوده و دیگر آن که جنگل‌ها، منابع زیرزمینی، آب‌هایی که اهمیت ملی دارند، تمامی احشام و کلیه ابزارآلات، همچنین کلیه خالصه جات دولتی و کلیه تأسیسات کشاورزی نمونه، به عنوان اموال ملی اعلام می‌شوند.

ب) به عنوان نخستین گام در راه انتقال کامل کارگاه‌ها، کارخانجات، معادن، خطوط آهن و دیگر وسایل تولید و حمل و نقل به مالکیت جمهوری کارگری و دهقانی‌شوراها، کنگره قانون‌شورائی کنترول کارگری و [تشکیل] شورای عالی اقتصاد ملی را به منظور تضمین قدرت کارگران بر استثمارگران تصویب می‌نماید.

ج) کنگره به عنوان یکی از شرایط رهائی توده‌های زحمتکش از زیر یوغ سرمایه‌داری، انتقال کلیه بانک‌ها را به دولت کارگران تصویب می‌نماید.

د) به منظور از میان برداشتن عناصر طفیلی جامعه و سازماندهی اقتصاد کشور، انجام کار اجباری برای همگان برقرار می‌شود.

ه) به منظور تضمین قدرت کامل توده های زحمتکش و از میان برداشتن کلیه امکانات اعاده قدرت استثمارگران، کنگره فرمان به تسلیح کارگران، تشکیل ارتش سرخ سوسیالیستی کارگران و دهقانان و خلع سلاح کامل طبقات مالک می دهد.

فصل سوم

۱- سومین کنگره شوراها ضمن ابراز تصمیم خلل ناپذیر خود مبنی بر رهاسازی بشریت از چنگال سرمایه مالی و امپریالیسم که در طول این جنگ (جنایت بارترین جنگها) زمین را غرق در خون ساخته‌اند با سیاست متخذه از سوی قدرت شوراها در مورد فسخ عهدنامه‌های محرمانه، سازماندهی گسترده‌ترین نوع برادری با کارگران و دهقانان ارتش هائی که اکنون درگیر جنگ هستند، و دستیابی به صلح دمکراتیک از طریق تدابیر انقلابی، یعنی صلح بدون الحاق و غرامت گیری، و بر اساس حق خلقها برای تعیین آزادانه سرنوشت خود کاملاً همراهی می نماید.

۲- در راستای همین هدف، سومین کنگره شوراها بر طرد کامل سیاست وحشیانه تمدن بورژوائی تأکید می نماید؛ تمدنی که برای رفاه استثمارگران چند ملیت برگزیده و به انقیاد کشیدن صدها میلیون کارگر در آسیا، و به طور کلی در مستعمرات و سرزمین های کوچک مبتنی است.

سومین کنگره از سیاست شورای کمیسرهای خلق مبنی بر اعلام استقلال کامل فنلاند، اقدام به خارج ساختن نیروها از ایران، و اعطای حق کامل تعیین آزادانه سرنوشت خود به ارمنستان، استقبال می نماید.

سومین کنگره سراسری شوراها روسیه قانون مربوط به الغای وام های منعقد شده در زمان حکومت تزار و لغو مالکیت های مالکی و بورژوائی را همچون اولین ضربه به سرمایه های بین المللی مالی و بانکی تلقی می نماید و اطمینان می بخشد که تا هنگام پیروزی کامل شورش بین المللی کارگران علیه یوغ سرمایه همچنان راه خویش را با عزمی راسخ ادامه خواهد داد.

فصل چهارم

سومین کنگره سراسری شوراها نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان روسیه بر این نکته ارجح می نهد که در این هنگام که نبرد سرنوشت ساز خلق علیه استثمارگران خود در جریان است، هیچ یک از این استثمارگران جائی در هیچ یک از سازمان های قدرت ندارند. قدرت می بایست کاملاً و منحصر در دست توده های زحمتکش و مراجع نمایندگی آنها، یعنی شوراها نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان باشد.

ضمن تلاش برای ایجاد اتحادی حقیقتاً آزاد و ارادی و در عین حال، کامل و مستحکم در میان طبقات زحمتکش تمام ملت های روسیه، سومین کنگره صرفاً به وضع اصول اساسی فدراسیون جمهوری های شورائی روسیه پرداخته و به کارگران و دهقانان هر یک از ملت ها اختیار می دهد تا در کنگره ملی شوراها خویش که حائز صلاحیت کامل می باشد، به طور آزادانه تصمیم بگیرند که آیا مایل به شرکت در حکومت فدرال و دیگر نهادهای فدرال شوروی می باشند، و اگر پاسخ مثبت است بر چه اساسی.

ضمیمه دوم

قانون اساسی اتحاد جماهیر سوسیالیستی

مصوب ۳۱ جنوری ۱۹۲۴*

کمیته اجرائی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ضمن اعلام غیرقابل نقض بودن اصول قدرت شوراهای و مطابق با تصمیم اولین کنگره شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و میثاق تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متخذه در نخستین کنگره شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، برگزار شده در ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲ در مسکو، و با در نظر گرفتن اصلاحات و تغییرات ارائه شده از سوی کمیته های اجرائی مرکزی جمهوری های عضو اتحاد مقرر می دارد:

قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، از بیانیه تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و میثاق تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل یافته است.

بخش اول

بیانیه تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

از بدو تشکیل اتحاد جمهوری های شوروی، تمامی دولت های جهان به دو اردوگاه تقسیم می شوند: اردوگاه سرمایه داری و اردوگاه سوسیالیسم.

در اردوگاه سرمایه داری چیزی جز نفرت ملی و نابرابری، بردگی استعماری و میهن پرستی متعصبانه، سرکوب ملیتها و نسل کشی، سفاکی امپریالیست ها و جنگ وجود ندارد. [اما] در اردوگاه سوسیالیسم، اعتماد متقابل و صلح، آزادی ملی و برابری، همزیستی مسالمت آمیز و همکاری برادرانه خلق ها وجود دارد.

به نقل از کتاب:

Constitution(Lois fondamentales de L.U.R.S. F. S. R., Paris, Bureau de Edition, 1935

ضمناً اصلاحات و اضافات صورت گرفته در ۲۶ اپریل ۱۹۳۷ و ۱۷ مارچ ۱۹۳۱ نیز در متن درج شده است.

کوشش‌هایی که جهت حل مسأله ملیت‌ها از طریق تلفیق رشد آزاد خلق‌ها با نظام استثمار انسان از انسان توسط سرمایه‌داری صورت گرفته در طول ده‌ها سال، نه تنها بی‌نتیجه بوده، بلکه به عکس، کلاف سردرگم تضاد ملت‌ها را بیش از پیش به هم پیچیده کرده و حتی موجودیت سرمایه‌داری را نیز تهدید می‌کند. بورژوازی نشان داد که از سازمان دادن همکاری میان خلق‌ها ناتوان است.

تنها در اردوگاه شوراهای و در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا که اکثریت مردم را گرد خود فراهم آورده است، محور ریشه‌ی محرومیت ملت‌ها و ایجاد جو اعتماد متقابل و استقرار پایه‌های همکاری برادرانه خلق‌ها امکان‌پذیر گشته است. دقیقاً همین شرایط بود که به جمهوری‌های شوروی امکان داد تا تهاجمات امپریالیست‌های تمام جهان (چه داخلی و چه خارجی) را دفع کنند و باز، همین شرایط اجازه داد تا این جمهوری‌ها جنگ داخلی را از میان برداشته، موجودیت خود را حفظ کنند و در مقام بنای اقتصاد صلح‌آمیز برآیند.

اما سالهای جنگ در این رهگذر چندان بی‌تاثیر نبود. بایر شدن مزارع، کاهش فعالیت کارخانه‌ها، اضمحلال نیروهای تولیدی و منابع اقتصادی، همگی از نتایج جنگ بوده و موجب نارسائی کوشش‌های جداگانه جمهوری‌های مختلف در زمینه‌سازی اقتصادی می‌شوند. تا زمانی که این جمهوری‌ها به صورت جدا از هم بمانند، تجدید بنای اقتصاد ملی غیرممکن است.

از طرف دیگر، بی‌ثباتی اوضاع بین‌المللی و خطر تهاجمات جدید، ایجاد یک جبهه واحد از جمهوری‌های شوروی را در قبال محاصره سرمایه‌داری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

همین ساختار قدرت شوراهای که به جهت سرشت طبقاتی خود، بین‌المللی می‌باشد، عاقبت توده‌های زحمتکش جمهوری‌های شوروی را به سوی اتحاد در یک خانواده واحد سوسیالیستی سوق می‌دهد.

تمامی این شرایط به طور مطلق اجتماع جمهوری‌های شوروی را در یک دولت واحد فدرال ایجاد می‌کند؛ دولتی که در عین حال قادر به تأمین امنیت خارجی، پیشرفت اقتصاد داخلی و رشد آزادانه خلق‌ها می‌باشد. خواست خلق‌های جمهوری‌های شوروی که به تازگی در کنگره شوراهای خود اجتماع کرده و متفقاً تصمیم به بنیانگذاری اتحاد جماهیر شوروی گرفتند، بیانگر این امر است که این اتحاد یقیناً اجتماعی آزاد از خلق‌هایی با حقوق برابر بوده و به هر یک از جمهوری‌ها این اطمینان داده می‌شود که می‌توانند آزادانه از اتحاد جدا شوند و کلیه جمهوری‌های شوروی که در حال حاضر وجود دارند و یا در آینده تشکیل خواهند شد، می‌توانند به عضویت این اتحاد درآیند؛ و همچنین، این دولت جدید فدرال شایستگی آن را دارد که اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برادرانه خلق‌ها را که از ماه اکتوبر ۱۹۱۷ برقرار گردیده، به اجراء گذارد و نیز این اتحاد سد محکمی در مقابل سرمایه‌داری جهانی خواهد بود و گام قاطع و نوینی است در جهت اتحاد کارگران تمامی کشورها در یک جمهوری شوروی سوسیالیستی جهانی.

بخش دوم

میثاق تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی روسیه، جمهوری سوسیالیستی شوروی اوکراین، جمهوری سوسیالیستی شوروی روسیه سفید، جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی ماوراء قفقاز (شامل جمهوری سوسیالیستی شوروی آذربایجان، جمهوری سوسیالیستی شوروی گرجستان، و جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان)، جمهوری

سوسیالیستی شوروی ترکمنستان، جمهوری سوسیالیستی شوروی ازبکستان، جمهوری سوسیالیستی شوروی تاجیکستان، در یک دولت فدرال به نام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به هم می پیوندند.

فصل اول

اختیارات ارگان های عالی قدرت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

اصل ۱- انجام امور زیر بر عهده ارگان های عالی اتحاد جمهوری سوسیالیستی است:

الف) نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در روابط بین المللی، برقراری کلیه روابط دیپلماتیک، عقد معاهدات سیاسی و سایر قراردادها با دولت های مختلف؛

ب) اصلاح و تغییر مرزهای خارجی اتحاد، و حل و فصل مسائل مربوط به تعیین مرزها بین جمهوری های عضو اتحاد؛

پ) عقد پیمان های مربوط به پذیرش جمهوری های جدید در اتحاد؛

ت) اعلان جنگ و انعقاد قرارداد صلح؛

ث) انعقاد استقراض خارجی و داخلی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و تأمین اعتبار وام های خارجی و داخلی جمهوری های عضو اتحاد؛

ج) تصویب معاهدات بین المللی؛

چ) اداره تجارت خارجی و تعیین نظام تدارکاتی و نظام تجارت داخلی؛

ح) وضع اصول و طرح عمومی کل اقتصاد ملی اتحاد، تعیین قلمرو شاخه های صنعت و مؤسسات صنعتی و مؤسسات اقتصادی مختلفی که سود حاصل از آنها به تمام اتحاد تعلق دارد، عقد قراردادهای اعطای امتیاز چه به نام کل اتحاد و چه به نام جمهوری های عضو؛

خ) اداره امور حمل و نقل و ارتباطات پستی و تیلیفونی؛

د) سازماندهی و اداره نیروهای مسلح اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛

ذ) تصویب طرح مالی واحد و بودجه واحد دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که شامل بودجه جمهوری های عضو نیز می شود؛ وضع مالیات ها و درآمدهای جمهوری های عضو و نیز کاهش و افزایش نسبی آن به نفع بودجه جمهوری های عضو، تصویب مالیات ها و مالیات های تکمیلی به سود بودجه جمهوری های عضو؛

ر) وضع یک نظام پولی و اعتباری یک پارچه؛

ز) وضع اصول کلی بهره برداری از زمین و حق انتفاع از درآمد آن، و نیز استفاده از منابع زیرزمینی، جنگل ها و آب در تمامی قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛

ژ) وضع قوانین فدرال در زمینه مهاجرت میان جمهوری های عضو و ایجاد یک بنیاد مهاجرت؛

س) وضع اصول سازمان و رویه قضائی و نیز وضع اصول قانونگذاری مدنی و کیفری؛

ش) وضع قوانین اساسی در زمینه کار؛

ص) وضع اصول کلی در خصوص دادرسی عمومی؛

ض) وضع تدابیر کلی در زمینه حفظ بهداشت عمومی؛

ط) وضع نظام اوزان و مقادیر؛

ظ) تنظیم آمار فدرال؛

ع) تعیین قوانین اساسی در خصوص تابعیت فدرال و حقوق خارجیان؛

غ) اجرای حق عفو عمومی در تمامی قلمرو اتحاد؛

ف) الغای مصوبات کنگره شوراها و کمیته های اجرائی مرکزی جمهوری های عضو که مغایر با قانون اساسی حاضر باشد؛

ق) رسیدگی به کلیه مسائل متنازع فیه [مورد اختلاف] میان جمهوری های عضو؛

اصل ۲- تصویب و تغییر اصول بنیادین قانون اساسی حاضر منحصراً در صلاحیت کنگره شوراهاى اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است؛

ادامه دارد